

بررسی رده‌شناختی نحوی و معنایی اسامی درون‌مرکز و برون‌مرکز زبان فارسی در داستان‌های کودک و نوجوان^۱

سارا یزدانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸

چکیده

ترکیب، یکی از پرکاربردترین فرایندهای واژه‌سازی، برای بیان مفاهیم جدید در زبان‌های دنیا است. هر چند بررسی این پدیده ساخت‌وازی در حوزه‌های گوناگون زبان‌شناسی انجام شده است، اما در حوزه رده‌شناسی زبان، این مسأله چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو، هدف مقاله حاضر، بررسی رده‌شناختی نحوی و معنایی واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان دو گروه سنی کودک و نوجوان است. در این راستا، گروه کودکان، مشتمل بر گروه‌های الف (پیش دبستانی)، ب (سال‌های اول، دوم و سوم دبستان) و ج (سال‌های چهارم و پنجم دبستان) بوده و گروه نوجوانان، گروه‌های د (سال‌های راهنمایی) و ه (سال‌های دبیرستان) را شامل شده است. همچنین، ۳۱۵ داستان، به روش دسترسی آسان انتخاب شدند. برای

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2017.14273.1292

^۲ دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ Yazdani.sarah@mail.um.ac.ir

تحلیل واژه‌های مرکب از نظر معنایی، از چارچوب پیشنهادی شقاقی (Shaghaghi, 2007) که با زبان فارسی مناسبت دارد، استفاده شد. پس از تعیین فراوانی و درصد فراوانی واژه‌های مرکب از نظر مقوله نحوی و معنایی (برون‌مرکز و درون‌مرکز بودن)، داستان‌های گروه‌های کودک و نوجوان با یک‌دیگر مقایسه شدند تا الگوی سرنمون نحوی و معنایی آن‌ها مشخص گردد. یافته‌های پژوهش نشان داد که به لحاظ مقوله نحوی، اجزای سازنده واژه‌های مرکب، الگوی سرنمون نحوی در داستان‌های دو گروه کودک و نوجوان به صورت صفت + فعل > صفت + اسم > اسم + اسم است. همچنین، واژه‌های مرکب درون‌مرکز در گروه کودک و نوجوان به ترتیب با ۷۰/۵٪ و ۵۲٪ به طور معناداری از بسامد بالاتری نسبت به واژه‌های برون‌مرکز در هر دو گروه برخوردار بوده و الگوی سرنمون معنایی به این صورت است: واژه‌های مرکب برون‌مرکز > واژه‌های مرکب درون‌مرکز. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به نویسنده‌های فارسی زبان در نحوه نگارش داستان با توجه به رشد شناختی کودک بسیار کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: سلسله‌مراتب، واژه‌های مرکب، درون‌مرکز، برون‌مرکز،

داستان‌های کودک و نوجوان، رده‌شناسی

۱. مقدمه

ترکیب، یکی از رایج‌ترین و زیباترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان‌های جهان است. بررسی واژه‌هایی با ساختار مرکب، از گذشته تا کنون توجه پژوهشگران در حوزه ساخت واژه را به سوی خود کشانده است. پیشرفت‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون زبان‌شناسی، سبب شده تا محققان پدیده ساخت واژگی ترکیب را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده و نگاهی نو و دیگرگونه‌ای به این پدیده داشته باشند. این جنبه‌ها مشتمل بر معنا (Lieber, 2012; Jackendoff, 2012)، شناخت (Heyvaert, 2012)، ساخت واژه و آکوستیک (Kuperman et al., 2007)، عصب‌شناسی زبان (Clahsen & Almazan, 2001) و جامعه‌شناسی زبان (Abdullahi-Idiagbona & Olaniyi, 2011) هستند. در زبان فارسی، واژه‌های مرکب را می‌توان با توجه به مقوله اجزای ساختار، شیوه ترکیب و با در نظر گرفتن معنا، گروه‌بندی نمود (Shaghaghi, 2007). منظور از گروه‌بندی واژه‌های مرکب با توجه به اجزای سازنده، دسته‌بندی آن‌ها به دو گروه فعلی (مانند دل‌گیر) و غیر فعلی (مانند نقطه‌نظر) است. از جنبه چگونگی قرارگیری، واژه‌های مرکب را می‌توان به دو گروه

پایگانی (مانند: آب‌نبات چوبی) و ناپایگانی (مانند: چاقوتیزکن) دسته‌بندی نمود (Shaghghi, 2007). اما آن‌چه در این مقاله مورد نظر است، بررسی طبقه‌بندی واژه‌های مرکب با توجه به معنای آن‌ها است. بر این مبنا، بر پایه دیدگاه شقاقی (Shaghghi, 2007) می‌توان چهار دسته واژه‌های مرکب درون‌مرکز (مانند سنجاق قفلی)، برون‌مرکز (مانند روشن دل (در اشاره به فرد نابینا))، دوسویه (مانند تهران-مشهد) و متوازن (مانند جست‌وجو) را در نظر گرفت. در بخش چارچوب نظری پژوهش، این چهار دسته به صورت مفصل شرح داده خواهند شد.

یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی که در دهه‌های اخیر به مقوله «ترکیب» گرایش نشان داده‌است، حوزه رده‌شناسی زبان است. کرافت (Croft, 2003)، رده‌شناسی زبان را این گونه تعریف می‌کند: در زبان‌شناسی، مسلم‌ترین تعریف از رده‌شناسی به دسته‌بندی انواع ساختار در میان زبان‌های گوناگون اشاره دارد. بر اساس این تعریف، یک زبان به گونه خاص و منحصر به فردی تعلق دارد و رده‌شناسی زبان‌ها عبارت است از تعریف انواع، تعداد یا طبقه‌بندی زبان‌ها به این گونه‌های خاص (Croft, 2003, p. 1).

رده‌شناسی زبان، شاخه‌های گوناگون زبانی مانند نحو، واج‌شناسی، معناشناسی و ساخت‌واژه را بررسی می‌کند. با وجود اهمیت مقوله زبانی ترکیب و پژوهش‌های بسیار در این زمینه، حوزه رده‌شناسی توجه چندانی به این فرایند - به ویژه رده‌بندی واژه‌های مرکب از جنبه معنایی - نداشته‌است. به جز موارد اندکی (Bauer, 2011; Guevara & Scalise, 2009; Gaeta, 2008; Haspelmath, 2001)، بیشتر پژوهش‌های رده‌شناسی به آرایش‌های واژگانی^۱ و تعامل میان معناشناسی و نحو اختصاص یافته‌است. بیشترین بررسی‌های انجام گرفته در پیوند با انواع گویش‌ها بوده‌اند. این در حالی است که پژوهش در زمینه‌های دیگری از قبیل رسانه‌های جمعی - مانند روزنامه - و به ویژه ژانر ادبی - مانند شعر یا کتاب‌های داستان، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در این راستا، بررسی کتاب‌های داستان فارسی ویژه کودکان و نوجوانان از جنبه چگونگی و میزان کاربرد واژه‌های مرکب با در نظر گرفتن رده سنی مخاطب، می‌تواند در پیشبرد پژوهش‌های زبانی تأثیرگذار باشد. در این راستا، لیبن (Libben, 2006) بر این باور است که بررسی فرایندهایی مانند ترکیب و پردازش آن، به درک بهتر پژوهش‌های مرتبط با فرهنگ واژگان ذهنی^۲ در حوزه روان‌شناسی زبان مانند میزان شفافیت واژه‌ها و تعامل میان تقطیع ساخت‌واژی^۳ و میزان ذخیره‌سازی واژه‌ها کمک می‌کند.

¹ word order

² mental lexicon

³ morphological parsing

مقاله پیش‌رو، در چندین بخش تنظیم شده‌است؛ در بخش نخست، مقدمه، هدف و پرسش‌های پژوهش ارائه می‌شود؛ در بخش دوم، پژوهش‌های پیشین در پیوند با واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در ایران و خارج از ایران مرور خواهند شد؛ بخش سوم، دربردارنده مبانی نظری پژوهش است؛ بخش چهارم، به معرفی روش‌شناسی پژوهش می‌پردازد؛ بخش پنجم، به تحلیل داده‌های پژوهش اختصاص دارد و در بخش پایانی، نتیجه‌گیری کلی و موضوع‌های پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده، ارائه خواهد شد.

۱.۱. هدف پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، پژوهش‌های رده‌شناسی در زمینه واژه‌های مرکب مورد بی‌توجهی زبان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. به همین دلیل، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های فارسی‌زبان ویژه کودکان و نوجوانان در دو رده سنی «الف، ب، ج» و «د، ه» بپردازد. به نظر نگارنده، دلیل تمرکز بر واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، جامعیت و شناخته‌تر بودن آن‌ها و وجود اتفاق نظر در پیوند با این نوع از ترکیب، در میان پژوهشگران زبان‌شناسی است. دلیل دیگر، توجه پژوهشگران به فرایند ترکیب، به صورت کلی بوده و واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز به تنهایی بررسی نشده‌اند. دلیل مطالعه داستان‌های کودک و نوجوان، علاوه بر بررسی وجوه زبانی مانند میزان زایایی و فراوانی هر یک از انواع اسم‌های مرکب (درون‌مرکز و برون‌مرکز)، توجه به جنبه روان‌شناسی و شناختی در کاربرد این گونه از واژه‌های مرکب است که تاکنون پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی به آن پرداخته‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر کاربرد واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز را در دو گروه سنی (۱- گروه سنی الف، ب، ج؛ ۲- گروه سنی د، ه) بررسی می‌کند.

۱.۲. پرسش‌های پژوهش

مبنای شکل‌گیری این پژوهش، پاسخ به سه پرسش است؛ «رده‌بندی نحوی واژه‌های مرکب از جنبه مقوله نحوی در داستان‌های گروه سنی «الف، ب، ج» و گروه سنی «د، ه» چگونه است؟»، «رده‌بندی معنایی واژه‌ها از جنبه درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن در داستان‌های گروه سنی «الف، ب، ج» و گروه سنی «د، ه» چگونه است؟» و «کاربرد واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های گروه سنی «الف، ب، ج» و گروه سنی «د، ه» چگونه تبیین می‌شود؟»

۲. پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در پیوند با واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، به شفاف‌سازی مرز میان این دو نوع ترکیب توجه نموده و بررسی جنبه‌های رده‌شناختی و یا ارائه الگوی سرنمون، برای این نوع از واژه‌های مرکب مورد توجه قرار نگرفته‌است. کورزن (Korzen, 2016)، در پژوهش خود، با نام «رده‌شناسی فعل‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز»^۱، به بررسی رده‌شناختی فعل‌های رومانیایی^۲ و آلمانی^۳ با تکیه بر زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و آلمانی پرداخته‌است. وی از الگوی پیشنهادی تالمی (Talmy, 1985; 1991) در بررسی افعال حرکتی^۴ بهره‌گرفته‌است. این الگو دربرگیرنده حرکت-شیوه^۵ / سبب، حرکت-راه^۶ و حرکت-شکل^۷ است. یافته‌های پژوهش وی بر اساس مقایسه میان زبان‌های رومانیایی و آلمانی نشان داد مفاهیم عینی، بیشتر در قالب فعل در زبان آلمانی نمایانده می‌شوند؛ در حالی که این نوع مفاهیم در زبان رومانیایی به صورت اسم نشان داده می‌شوند. همچنین انتزاع در زبان رومانیایی، از طریق فعل و در زبان آلمانی به صورت اسم نمایانده می‌شود.

بنزس (Benczes, 2015) در پیوند با فرایند ترکیب، به مرور پژوهش‌های پیشین در این زمینه پرداخت. وی به این نکته اشاره کرد که شواهد اندکی مبنی بر وجود مرزی دقیق و شفاف، میان واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در زبان انگلیسی وجود دارد؛ این واقعیت، او را بر آن داشت تا به پژوهشی در مورد واژه‌های مرکب برون‌مرکز بپردازد. علت توجه بیشتر وی، به این نوع از واژگان مرکب آن بود که در پژوهش‌های ساخت‌واژی معمولاً این نوع از واژه‌ها کنار گذاشته می‌شوند. این امر ناشی از ابهام معنایی است که این گونه واژه‌ها دارند. دلیل دیگر، کنار گذاشتن این نوع از واژه‌های مرکب، زیان‌بودن این نوع واژه‌ها برای ساخت مفاهیم جدید، بر خلاف واژه‌های مرکب درون‌مرکز است. وی در بررسی خود از الگوی اسم-اسم بهره گرفت. او همچنین از واژه‌های ابداعی جدیدی مانند «helicopter parents»^۸ بهره گرفت تا با توجه به معنای استعاری یا مجازی آن و به منظور رد طبقه‌بندی سنتی واژه‌های مرکب برون‌مرکز، مرزبندی دقیق‌تری مابین واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در زبان انگلیسی ارائه کند. نتیجه پژوهش وی نشان داد که

¹ exocentric and endocentric verb typology

² Romance

³ Germanic

⁴ motion verbs

⁵ motion-manner

⁶ motion-path

⁷ motion-figure

^۸ این واژه برای خانواده‌هایی به کار می‌رود که بیش از حد از فرزندانشان نگهداری و پشتیبانی می‌کنند.

واژه‌های مرکب باید در قالبی طیف‌گونه در نظر گرفته شوند؛ به گونه‌ای که در یک سوی طیف، موارد سرنمون مانند درخت سیب و در سوی دیگر طیف، موارد غیر سرنمون مانند «helicopter parent» قرار داده شوند. اسم‌های مرکب تیره^۱ نیز در میان دو سر این طیف جای می‌گیرند. در پژوهشی مشابه، رالی و اندرو (Ralli & Andreou, 2012) کوشیدند تا بر اساس تمایزهای ساختاری به بررسی واژه‌های مرکب برون‌مرکز بپردازند. آن‌ها معتقد بودند که فقط تکیه بر معیارهای معنایی، برای ارزیابی و توصیف این نوع از واژه‌های مرکب جامع و مانع نخواهد بود و جنبه‌های ساختاری نیز باید در نظر گرفته شوند. داده‌های پژوهش آن‌ها از دو زبان یونانی و قبرسی گردآوری شد. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد به نظر می‌رسد واژه‌های مرکب برون‌مرکز در کنار سایر فرایندهای ساخت‌واژی می‌توانند عمل کنند؛ اما فرایند ترکیب می‌تواند همزمان با فرایند اشتقاق عمل کند نه پس از اعمال اشتقاق.

اسکالیز و همکاران (Scalise et al., 2009) بر اساس نقش هسته، به بررسی واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز پرداختند. به باور آن‌ها تعداد هسته، در درون واژه‌های مرکب، تعیین‌کننده درون‌مرکز یا برون‌مرکز بودن واژه‌های مرکب است. با این فرض، داده‌های پژوهش خود را از پیکره‌ای با نام موربوکام^۲ استخراج کردند که حدوداً دربرگیرنده ۳۰۰۰ واژه مرکب از ۲۴ زبان گوناگون بود. آن‌ها در پژوهش خود سه نوع هسته مقوله‌ای^۳، ساختوازی و معنایی پیشنهاد کردند. با استفاده از رویکرد سازه‌بنیاد^۴ ادعا نمودند که با توجه به نوع هسته، واژگان برون‌مرکز را می‌توان در یکی از این سه دسته قرار داد. بر اساس یافته‌های پژوهش آن‌ها، از میان ۳۲۲۲ واژه مرکب، ۶۱۷ واژه برون‌مرکز به دست آمد که ۱۹ درصد کل پیکره را به خود اختصاص داده بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد لزوماً نمی‌توان زایایی را به عنوان مشخصه‌ای از درون‌مرکز بودن واژه‌های مرکب در نظر گرفت. همچنین، واژه‌های برون‌مرکز نیز در ساخت مفاهیم جدید در زبان نقش مهمی بر عهده دارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. همچنین، واژه‌های برون‌مرکز مقوله‌ای و ساخت‌وازی، زبان‌ویژه^۵ هستند؛ در حالی که واژه‌های برون‌مرکز معنایی، بدون در نظر گرفتن مشخصه‌های رده‌شناختی ویژه یک زبان، به شیوه‌ای آزادانه عمل می‌کنند.

به طور کلی، در سال‌های اخیر گرایش رو به افزایش و چشمگیری در زمینه بررسی فرایند ترکیب، به ویژه، در ارتباط با واژه‌های مرکب برون‌مرکز مشاهده می‌شود. با مروری بر آثار پیشین،

¹ fuzzy

² morbocomb

³ categorial

⁴ constituent-based approach

⁵ language specific

نیاز به پژوهش‌های رده‌شناختی دقیق‌تر و فراگیرتری در پیوند با واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، ضرورت می‌یابد. در این پژوهش‌ها، توجه به مسائلی مانند تعیین الگوهای سرنمون می‌تواند عامل مناسبی در برجسته‌سازی تمایز میان اسم‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز به شمار آید و نمایانگر گرایش‌های شخصی افراد در به‌کارگیری این نوع از واژه‌های مرکب در زبان روزمره باشد.

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (Sabzevari, 2012; KarimiDoustan, & Vahid, 2013) در زمینه واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز به بررسی مشخصه‌های معنایی مانند شفافیت^۱ و رابطه معنایی میان سازه‌های این دو گونه از واژه‌های مرکب پرداخته‌اند. از جنبه رده‌شناسی، پژوهش‌های ایرانی به بررسی موضوع‌هایی مانند ترتیب سازه‌ها، واژه‌بست‌سازی، موقعیت هسته در واژه‌های مرکب، مجهول‌سازی، سازه‌های مالکیتی، جمله‌های اسنادی، بندهای موصولی، واژه‌های چندمعنایی، صفت‌ها، گویش، فعل‌های حرکتی و ساخت‌های رویدادی محدود می‌شود. از آنجایی که هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده در پیوند با موضوع مقاله حاضر نبودند، از شرح آن‌ها پرهیز شد.

به نظر می‌رسد که تاکنون، تنها پژوهش موجود در زمینه رده‌شناسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی، مطالعه طباطبایی (Tabatabaee, 2012) است. وی واژه‌های مرکب زبان‌های فارسی و انگلیسی را با یکدیگر مقایسه نمود و در این زمینه از مشخصه‌هایی مانند معنا، تصریف درونی، ترتیب سازه و هسته‌داری بهره گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش وی، از میان مشخصه‌های موردنظر در واژه‌های مرکب زبان فارسی، تصریف درونی، فرایندی کم‌کاربرد است. در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، تعداد واژه‌های مرکب دارای هسته از گونه بدون هسته آن بیشتر است. شمار واژه‌های مرکب هسته‌آغازی در زبان فارسی بیشتر است. علاوه بر این، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، تعداد واژه‌های درون‌مرکز بیشتر از واژه‌های برون‌مرکز است. با وجود تلاش طباطبایی (Tabatabaee, 2012) به منظور ارائه الگویی رده‌شناختی برای واژه‌های مرکب در زبان فارسی، ایرادهایی در پژوهش وی مانند استفاده نکردن از انگاره‌ای نظری و مشخص نکردن منبع گردآوری داده‌ها، یافت شد که نمی‌توان این موارد را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد که این پژوهش، بیش از آنکه به بررسی رده‌شناسی واژه‌های مرکب پردازد، بر مقایسه دو زبان با بهره‌گیری از توصیف‌های آماری تأکید دارد.

¹ transparency

با بررسی تمامی پژوهش‌های موجود، چنین دریافت می‌شود که واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز به طور جامع و دقیق بررسی نشده‌اند و نیازی به بررسی بیشتر نیست. در حالی که این پژوهش‌ها به ما یادآور می‌شوند که تلاش برای ارائه الگوی رده‌شناختی مناسب برای واژه‌های مرکب، نیازمند انجام پژوهش‌های بیشتری در این زمینه است؛ با توجه به این نیاز پژوهشی، هدف مقاله حاضر، بررسی رده‌شناختی واژه‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز در کتاب‌های داستان کودک و نوجوان است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در پیوند با واژه تخصصی «ترکیب»، تعریف‌های گوناگونی در کتاب‌های دستور زبان ارائه شده است. در تعریف‌های سنتی دستور زبان فارسی، بیشتر بر اجزای سازنده این نوع از واژه‌ها تأکید شده است و اشاره‌ای به هسته‌داری که نمایانگر درون‌مرکز یا برون‌مرکز بودن این اسم‌ها است، نمی‌شود. برای نمونه، کلباسی (Kalbasi, 1992) واژه مرکب را حاصل ترکیب دو یا چند واژه آزاد می‌داند. در «دستور زبان فارسی» نوشته نائل خانلری (Natel Khanlari, 2007)، تجزیه‌پذیری اجزای سازنده اسم است که اهمیت دارد و بر این مبنای اسم‌ها می‌توانند به دو شکل ساده (بدون قابلیت تجزیه‌پذیری) و یا مرکب (تجزیه‌پذیر) نمایانده شوند. در تعریفی دیگر، احمدی گیوی و انوری (Ahmadi-Givi & Anvari, 1999) در راستای تعریف کلباسی (Kalbasi, 1992) و نائل خانلری (Natel Khanlari, 2007)، بر این باورند که اسم در زبان فارسی می‌تواند از یک بخش (اسم ساده، مانند: دفتر) و یا از ترکیب دو یا چند بخش (اسم مرکب، مانند دبیرخانه) تشکیل شود. آن‌ها معتقدند که اسم مرکب در زبان فارسی قابلیت به کارگیری در تمامی هفت مقوله زبانی (اسم، فعل، صفت، قید، حرف، ضمیر، شبه جمله) را دارد.

در میان تعریف‌های موجود در ارتباط با واژه مرکب، تعریف شقاقی (Shaghghi, 2007) به سوگیری‌های زبان‌شناختی نزدیک‌تر بوده و تا اندازه‌ای دور از ابهام است. وی بر این باور است آن‌چه تاکنون در مورد واژه مرکب به عنوان تعریف ارائه شده، جامع و مانع نیست. وی فرایند ترکیب را این‌گونه تعریف می‌کند:

فرایند ترکیب با کنارهم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ واژگانی و تکواژ آزاد دستوری یا دو واژه غیر بسیط، واژه جدید می‌سازد... با استفاده از اصطلاح واژه می‌توان گفت واژه مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرایند ترکیب در این کار دخالت داشته است (Shaghghi, 2007, p. 91-92).

پژوهشگران غیرایرانی نیز در پی ارائه تعریفی جامع و مانع از واژه مرکب، به ارائه طبقه‌بندی‌های گوناگون اسم‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز گرانیده‌اند (Spencer, 1991; Spencer, 1998; Olsen, 2001; Bauer, 2001; Haspelmath, 2002; Booij, 2005; Bistto & Scalise, 2005) همان‌گونه که اشاره شد، چارچوب‌های گوناگونی برای واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز پیشنهاد شده‌است؛ اما از آنجایی که مقوله ترکیب، به ویژه موضوع درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن با محتوای نحوی و معنایی زبان سر و کار دارد، در مقاله حاضر از چارچوب شقاقی (Shaghaghi, 2007) بهره گرفته شد که برای بررسی واژه‌های مرکب فارسی مناسب به نظر می‌رسد. شقاقی (Shaghaghi, 2007) با توجه به روابط معنایی میان اجزای سازنده واژه‌های مرکب، آن‌ها را به چهار دسته گروه‌بندی می‌کند:

الف) درون‌مرکز: از ترکیب دو واژه ایجاد می‌شود که از میان این دو، واژه تعیین‌کننده معنا به عنوان هسته در نظر گرفته می‌شود؛ برای نمونه، سنجاق قفلی (نوعی سنجاق است؛ بنابراین در این جا واژه سنجاق به عنوان هسته در نظر گرفته می‌شود).

ب) برون‌مرکز: از ترکیب دو واژه به وجود می‌آید، اما هیچ یک از این دو واژه، تعیین‌کننده معنا، به عنوان هسته نیستند و به مصداقی در جهان خارج اشاره دارند که متفاوت از معنای دو واژه است. برای نمونه، چشم سفید (در اینجا نه منظور چشم است و نه اشاره به رنگ مقصود است، بلکه این دو واژه با یکدیگر به معنای گستاخ و بی‌حیا دلالت دارند).

از آنجایی که نوع زبان در نحوه دسته‌بندی واژه‌های مرکب تأثیرگذار است، در این پژوهش از چارچوب شقاقی (Shaghaghi, 2007) برای بررسی واژه‌های مرکب در داستان‌های کودک و نوجوان نویسنده‌های فارسی‌زبان استفاده می‌شود. برای نمونه، در چارچوب بیستو و اکالیز (Bisetto & Scalise, 2005) واژه «girlfriedn» در دسته واژه‌های مرکب درون‌مرکز هم پایه، قرار دارد، در حالی که معادل آن در زبان فارسی «دوست دختر»، واژه مرکب درون‌مرکز (دوست به عنوان هسته این واژه) به شمار می‌آید و جزء واژه‌های مرکب همپایه نیست.

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴.۱. ابزار پژوهش

در مقاله حاضر، برای بررسی به کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان، در مجموع، ۸۸ کتاب که مشتمل بر ۳۱۵ داستان بود، به روش دسترسی آسان انتخاب شدند. برخی از این کتاب‌ها به صورت مجموعه داستان بودند. در این میان پنج گروه سنی

در نظر گرفته شده، عبارت بودند از: (الف) سال‌های پیش از دبستان؛ (ب) سال‌های اول، دوم و سوم دبستان؛ (ج) سال‌های چهارم و پنجم دبستان؛ (د) دوره راهنمایی و (ه) دوره دبیرستان. برای بررسی واژه‌های مرکب و ایجاد یک‌دستی در تعداد داده‌ها، برای هر گروه سنی، ۲۰۰ واژه از داستان‌های انتخابی در نظر گرفته شد. در گروه سنی (الف)، ۵۰ داستان، گروه سنی (ب)، ۵۹ داستان، گروه سنی (ج)، ۴۱ داستان، گروه سنی (د)، ۹۷ داستان و در گروه سنی (ه) ۶۸ داستان انتخاب شد.^۱ به دلیل شمار بالای کتاب‌ها، تک‌تک آن‌ها آورده نمی‌شود. برای پرهیز از تأثیر ترجمه بر نحوه عملکرد نویسنده‌های ایرانی در ترجمه اسم‌های مرکب و تغییر در درون‌مرکز و برون‌مرکز شدن واژه‌ها و همچنین به منظور جلوگیری از تغییر در نوع مقوله نحوی واژه‌ها، به کتاب‌های داستان نویسندگان فارسی‌زبان بسنده شد.

۴.۲. روش گردآوری داده‌ها

برای بررسی فراوانی واژه‌های مرکب از جنبه معنایی (درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن) و مقوله نحوی اجزای واژه‌های مرکب، داده‌ها از داستان‌های پنج گروه سنی الف، ب، ج، د، ه به شیوه دستی گردآوری شدند. برای هر گروه سنی ۲۰۰ واژه مرکب از کتاب‌های داستان گردآوری شد که در مجموع، ۱۰۰۰ واژه مرکب جمع‌آوری شد. البته در پژوهش حاضر، تحلیل و توصیف داده‌ها، فقط دو گروه سنی ۱- الف، ب، ج؛ ۲- د، ه را در بر می‌گیرد. پس از گردآوری داده‌ها، به بررسی فراوانی واژه‌های مرکب بر اساس مقوله نحوی سازنده آن‌ها، پرداختیم. برای تعیین درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن واژه‌های مرکب، نیز از تعریف شقاقی (Shaghghi, 2007) بهره گرفته شد که بر پایه رویکرد زبان‌شناختی بنا شده است. در موارد محدودی، در تعیین درون‌مرکز یا برون‌مرکز بودن واژه‌های مرکب تردید وجود داشت که برای از بین بردن آن از یک گویشور فارسی‌زبان با مدرک دکتری زبان‌شناسی که در ادبیات فارسی نیز تخصص داشت، کمک گرفته شد.

^۱ کتاب گروه سنی (الف) مانند: حسنی ما به بره داشت، گل روی شاخه زیباست، ماهی سیاه کوچولو، هدیه ننه سرما، کفش‌های دایی فرهاد، قصه مهتاب
کتاب گروه سنی (ب) مانند: باد فوت فوتی، در عید و عید دیدنی، روز شکوفه‌ها، عید نوروز، بچه شکمو، اتل متل شیرینی یلدا و شب‌نشینی، دم قورباغه
کتاب گروه سنی (ج) مانند: افسانه سبز، دو شغال، بوی دست بابا، آدم وقتی حرف می‌زند چه شکلی می‌شود؟، درخت قصه قمری های قصه
کتاب گروه سنی (د) مانند: قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵)، مجموعه قصه‌های هزار و یک شب (جلد ۱)
کتاب گروه سنی (ه) مانند: افسانه باران، کتاب‌خانه‌ای برای شب، در سرزمین کوچک من، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (جلد ۶، ۷)

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو زیربخش رده‌شناسی نحوی واژه‌های مرکب، بر اساس مقوله نحوی اجزای واژه‌های مرکب و رده‌شناسی معنایی واژه‌های مرکب با تمرکز بر درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن آن‌ها ارائه می‌شوند. در جدول (۱)، فراوانی و درصد فراوانی مقوله نحوی اجزای واژه‌های مرکب در داستان‌های بررسی شده در دو گروه سنی نخست (الف، ب، ج) و دوم (د، ه) آورده شده‌است:

جدول ۱: فراوانی و درصد فراوانی مقوله‌های نحوی اجزای واژه‌های مرکب در داستان‌های کودک و نوجوان در گروه‌های نخست و دوم

گروه‌ها	مقوله نحوی اجزای واژه‌های مرکب	فراوانی	درصد فراوانی
نخست	اسم + صفت	۹۹	٪ ۱۶/۵
	صفت + اسم	۷۷	٪ ۱۲/۸۳
	اسم + اسم	۲۹۶	٪ ۴۹/۳۳
	اسم + فعل	۵۶	٪ ۹/۳۳
	صفت + فعل	۳۲	٪ ۵/۳۳
جمع کلی			٪ ۱۰۰
دوم	اسم + صفت	۵۱	٪ ۱۲/۷۵
	صفت + اسم	۸۸	٪ ۲۲
	اسم + اسم	۱۵۲	٪ ۳۸
	اسم + فعل	۹۶	٪ ۲۴
	صفت + فعل	۱۳	۳٪/۲۵
جمع کلی			٪ ۱۰۰

بر اساس جدول شماره (۱)، بالاترین درصد فراوانی مقوله نحوی در گروه نخست، به مقوله اسم + اسم (٪ ۴۹/۳۳) تعلق دارد و پس از آن درصد فراوانی مقوله‌های دیگر به ترتیب اسم + صفت (٪ ۱۶/۵)، صفت + اسم (٪ ۱۲/۸۳)، اسم + فعل (٪ ۹/۳۳) و صفت + فعل (٪ ۵/۳۳) است. در گروه دوم، بیشترین میزان فراوانی به مقوله نحوی اسم + اسم (٪ ۳۸) اختصاص دارد و پس از آن به ترتیب مقوله‌های اسم + فعل (٪ ۲۴)، صفت + اسم (٪ ۲۲)، اسم + صفت (٪ ۱۲/۷۵) و در نهایت مقوله صفت + فعل (٪ ۳/۲۵) قرار دارند.

برای تعیین فراوانی واژه‌های مرکب از نظر درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن در داستان‌های کودک و نوجوان، میزان فراوانی و درصد فراوانی آن‌ها محاسبه گردید. جدول (۲) میزان به‌کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز را در داستان‌های مربوط به دو گروه نخست و دوم نشان می‌دهد:

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی واژگان مرکب درون مرکز و برون مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان در گروه‌های نخست و دوم

گروه	انواع واژه‌های مرکب	فراوانی	درصد فراوانی
نخست	درون مرکز	۴۲۳	٪۷۰/۵
	برون مرکز	۱۷۷	٪۲۹/۵
دوم	درون مرکز	۲۰۸	٪۵۲
	برون مرکز	۱۹۲	٪۴۸
جمع کلی			٪۱۰۰

بر اساس جدول (۲)، در گروه نخست (الف، ب، ج) واژه‌های مرکب درون‌مرکز (٪۷۰/۵) بیشتر از واژه‌های مرکب برون‌مرکز کاربرد داشته‌اند. در گروه دوم (د و ه) نیز فراوانی واژه‌های مرکب درون‌مرکز (٪۵۲) بیشتر از واژه‌های مرکب برون‌مرکز (٪۴۸) به دست آمد. برای بررسی توزیع نرمال متغیرها (واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز)، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون، سطح معناداری متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمد که نشان می‌دهد تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال هستند؛ بنابراین، برای تعیین تفاوت معناداری بین گروه نخست و دوم باز جنبه به کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، از آزمون آماری تی استیودنت^۲ بهره گرفته شد. جدول زیر، یافته‌های حاصل از این آزمون را نمایش می‌دهد:

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار، درجه آزادی، آماره تی و سطح معنی‌داری کاربرد واژگان درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان در گروه نخست و دوم

گروه‌ها	نوع واژه‌های مرکب	تعداد گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره تی	سطح معنی‌داری
نخست و دوم	درون‌مرکز	۵	۳۷	۷,۶۷۴	۳	۴,۸۲۱۵	۰,۰۱۷۰
	برون‌مرکز	۵	-۳۷	۱۱,۴۲۶	۳	۳,۲۳۸۲	۰,۰۴۷۹

بر اساس جدول (۳)، مقدار آماره t آزمون برابر با ۴/۸۲۱۵ و مقدار سطح معناداری اختلاف نمره‌های گروه نخست و دوم در در واژه‌های مرکب درون‌مرکز برابر با ۰/۰۱۷۰ به دست آمد که

^۱ kolmogorov-smirnov test

^۲ t-student

کمتر از ۰/۰۵ است ($Sig = 0.0170 < 0.05$)؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود. بر این اساس، در داستان‌های کودک و نوجوان، بین کاربرد واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز تفاوت معناداری وجود دارد و واژه‌های مرکب درون‌مرکز بیشتری در مقایسه با برابر با ۳/۲۳۸۲ و مقدار سطح معناداری اختلاف نمره‌های گروه نخست و دوم در واژه‌های مرکب برون‌مرکز برابر با ۰/۰۴۷۹ بوده و کمتر از ۰/۰۵ است ($Sig = 0.0479 < 0.05$)؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود. بر این مبنای، در داستان‌های کودک و نوجوان، در کاربرد واژه‌های مرکب برون‌مرکز تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و واژه‌های مرکب برون‌مرکز بیشتری در مقایسه با واژه‌های مرکب درون‌مرکز به کار برده شده‌است. با در نظر گرفتن یافته‌های این بررسی‌ها می‌توان اشاره نمود به طور کلی، در میزان واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در دو گروه نخست و دوم تفاوت وجود دارد.

۶. تحلیل یافته‌ها

در پاسخ به نخستین پرسش پژوهش، در پیوند با رده‌شناسی مقوله‌های نحوی واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، این یافته به دست آمد که بر اساس جدول (۱)، به‌طور کلی پنج مقوله نحوی در هر دو گروه نخست (الف، ب، ج) و دوم (د، ه) به کار گرفته شده‌است. این مقوله‌ها از این قرارند: اسم + اسم، اسم + صفت، اسم + فعل، صفت + اسم و صفت + فعل. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از سه جزء اصلی نحو، یعنی اسم، فعل و صفت در داستان‌های هر دو گروه استفاده شده‌است. از میان این مقوله‌ها، مقوله نحوی اسم + اسم در هر دو گروه نخست (۴۹/۳۳٪) و دوم (۳۸٪)، بیشترین میزان کاربرد را داشته‌است. در گروه نخست، میزان به کارگیری سایر مقوله‌ها به این ترتیب است: اسم + صفت با ۱۶/۵٪، صفت + اسم با ۱۲/۸۳٪، اسم + فعل با ۹/۳۳٪ و در جایگاه پایانی، صفت + فعل با ۵/۳۳٪ قرار دارد. در گروه دوم، پس از مقوله نحوی اسم + اسم، میزان بهره‌گیری از سایر مقوله‌ها از این قرار است: اسم + فعل با ۲۴٪، صفت + اسم با ۲۲٪، اسم + صفت با ۱۲/۷۵٪ و در نهایت، صفت + فعل با ۳/۲۵٪ مورد استفاده قرار گرفته‌است. براساس نتیجه به‌دست آمده از داده‌های این پژوهش، می‌توان الگوی سرنمونی برای واژه‌های مرکب ارائه داد:

در گروه نخست (الف، ب، ج): صفت + فعل > اسم + فعل > صفت + اسم > اسم + صفت > اسم + اسم

در گروه دوم (د و ه): صفت + فعل > اسم + صفت > اسم + فعل > اسم + اسم

الگوی سرنمون: صفت + فعل > صفت + اسم > اسم + اسم

این یافته، هم‌راستا با یافته‌های پژوهش گواوارا و اسکالیز (Guevara & Scalise, 2009) است که در بررسی‌های خود دربارهٔ خانواده‌های زبانی با منشأ ژنتیکی مشترک (اسلاوی، ژرمنی، لاتین و آسیای شرقی) بیان کردند که اسم، صفت و فعل سه جزء پرکاربرد واژه‌های مرکب و ترکیب اسم + اسم بالاترین میزان فراوانی در واژه‌های مرکب را دارا بوده‌اند. در ادامه، چند نمونه از کاربرد این پنج مقوله در داستان‌های کودک و نوجوان در گروه نخست و دوم ارائه می‌شود:

در گروه نخست (الف، ب، ج):

اسم + اسم ← صاحب‌خانه، اره‌ماهی، پسر بچه، بچه‌ننه، آب‌لیمو، مرغ‌دریایی، گل‌برگ، کره‌لاغ، تله‌موش، آب‌غوره، گلاب، تار عنکبوت، رودخانه، دل‌درد، زهرمار، تخت‌خواب، دردسر، آب-نبات، سینه‌پهلوی، آشپزخانه، اجاق‌گاز

اسم + صفت ← نیم‌وجبی، پدر بزرگ، سرماخورده، مداد رنگی، میل بافتنی، کدو تنبل، پاشنه‌بلند

صفت + اسم ← خوش‌بو، بدقیافه، بدجنس، خوش‌زبان، خوش‌رو، خوش‌اخلاق، پیرزن، بدقول

اسم + فعل ← مرواریددوز، زورگو، ماهی‌خوار، شیرفروش، دست‌آموز، کفش‌دوز، هیزم‌شکن، شیرده

صفت + فعل ← بدخواه، شیک‌پوش، بدبین، پرخور، حقه‌باز، خیرخواه، تیزرو

در گروه دوم (د و ه):

اسم + اسم ← زخم‌زبان، بیضی‌شکل، دستپاچه، خرچنگ، دودل، خاریشت، اسب‌سوار، رگ-غیرت، سرگیجه، خاطر جمع، طمع‌کار، کاروان‌سرا، نوع‌دوست، پندنامه، راه‌آب، کوله‌بار، حاضر جواب، گوهر نشان، تجارت‌خانه

اسم + فعل ← لجاج‌باز، قدردان، دست‌پخت، لذت‌بخش، سرکش، ول‌گرد، دل‌آزار، روشنی‌بخش، کلاه‌بردار، بالدار

صفت + اسم ← کورسو، خشک‌سال، تهی‌دست، کوتاه‌قد، گران‌بها، خوش‌قلب، پاک‌دل، شادکام، بدسیرت، خوش‌ذات

اسم + صفت ← صدراعظم، ریش‌سفید، دل‌آزرده، دل‌خوش، دهن‌گشاد، دست‌بسته، گردن‌کلفت، گرد گرفته

صفت + فعل ← سهل‌انگار، آشوب‌طلب، مفت‌خور، تیزبین، خوش‌گذران، خوش‌بین، نیرنگ‌ساز
پرسش دوم پژوهش، در زمینهٔ میزان فراوانی به‌کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان بود. همان‌گونه که در جدول (۲) نشان داده شد، در

گروه نخست (الف، ب، ج)، میزان استفاده از واژه‌های مرکب درون‌مرکز (۷۰/۵٪) بیشتر از واژه‌های مرکب برون‌مرکز (۲۹/۵٪) است و در گروه دوم (د، ه)، همانند گروه نخست، به کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز (۵۲٪) بیشتر از واژه‌های مرکب برون‌مرکز (۴۸٪) بوده است. به این ترتیب، می‌توان گفت به کارگیری واژه‌های درون‌مرکز در داستان‌ها، فراوانی بیشتری نسبت به سایر گونه‌های واژه‌های مرکب داشته است. بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان الگوی سرنمونی زیر را برای واژه‌های مرکب ارائه نمود:

الگوی سرنمون: برون مرکز > درون مرکز

این یافته هم‌راستا با پژوهش طباطبایی (Tabatabaee, 2012) است که بیان می‌کند تعداد اسم‌های مرکب درون‌مرکز در مقایسه با واژه‌های مرکب برون‌مرکز بیشتر است. این امر بی‌ارتباط با محتوای نحوی و معنایی نیست؛ زیرا، وجود هسته در این نوع از واژه‌های مرکب به شفاف‌سازی و درک بهتر معنای آن‌ها کمک می‌کند؛ از این رو، در داستان‌هایی که مخاطب آن‌ها کودک‌ها و نوجوان‌ها هستند، اهمیت قائل شدن به این مسأله برای این گروه از خوانندگان می‌تواند ارتباط سه‌گانه میان خواننده، متن و نویسنده را بهبود بخشد. اما برخلاف یافته‌های پژوهش طباطبایی (Tabatabaee, 2012)، واژه‌های مرکب برون‌مرکز لزوماً فرایندی کم‌اهمیت و حاشیه‌ای به شمار نمی‌آید. با اینکه میزان به کارگیری این نوع از واژه‌های مرکب در مقایسه با واژه‌های درون‌مرکز کمتر است، اما به اندازه‌ای اندک نیست که بتوان آن را حاشیه‌ای دانست. در ادامه، چند نمونه از کاربرد واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان در گروه نخست (الف، ب، ج) و دوم (د، ه) ارائه می‌شود:

در گروه نخست: واژه‌های مرکب درون‌مرکز: اجاق‌گاز، چوب‌دستی، دل‌درد، برف‌بازی، کتاب‌خانه، آشپزخانه، چراغ‌مطالعه واژه‌های مرکب برون‌مرکز: آفتاب‌پرست، سردماغ، زیرگوشی، دل‌تنگ، خرخاکی، دل‌سوخته، خون‌سرد

در گروه دوم: واژه‌های مرکب درون‌مرکز: پشت‌بام، تلفن‌خانه، نقاش‌خانه، کم‌حوصله، خوش‌سلیقه، جواهرنشان، غول‌پیکر واژه‌های مرکب برون‌مرکز: کتاب‌بین، تیزهوش، گردن‌کلفت، دل‌کک‌بازی، شمردل، چرب‌زبان، خون‌خوار

با وجود این شباهت، بر اساس جدول (۳)، مشاهده می‌شود که در داستان‌های کودک و نوجوان، در کاربرد واژه‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به جدول (۳)، میانگین واژه‌های درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌ها به ترتیب برابر با ۳۷ و ۳۷-

است؛ بنابراین، میزان بهره‌گیری از واژه‌های مرکب درون‌مرکز در گروه دوم نسبت به گروه نخست کاهش یافته‌است؛ در حالی که میزان کاربرد واژه‌های مرکب برون‌مرکز در همین گروه در مقایسه با گروه نخست، سیر روبه‌فزونی داشته‌است. یکی از علت‌های این امر که هم‌راستا با پژوهش ناکو (Nakov, p. 2013) است، مشخص بودن نوع رابطه میان اجزا و هسته‌داری واژه‌های مرکب درون‌مرکز است که موجب شفافیت بیشتر آن‌ها می‌گردد. به همین سبب، دسترسی و بازیابی این نوع از واژه‌ها در ذهن کودک سریع‌تر از واژه‌های برون‌مرکز انجام می‌شود؛ از این رو، تعداد واژه‌های مرکب درون‌مرکز در گروه نخست (الف، ب، ج) در مقایسه با گروه دوم (د و ه) بیشتر است. از سوی دیگر، واژه‌های مرکب برون‌مرکز گاه به‌طور کامل واژگانی شده‌اند^۱ و دیگر از اصل ترکیب‌پذیری معنایی^۲ پیروی نمی‌کنند؛ به بیان دیگر، این واژه‌های مرکب همانند واژه‌های بسیط نشانگر یک واژه و یک معنا هستند؛ مانند آتش‌پاره (به معنای کودک شیطان و بازیگوش). درک این نوع واژه‌ها به دانش زبانی فرد نیاز دارد. در این میان، کودک‌های پیش‌دستانی و دبستانی از ویژگی‌هایی برخوردارند؛ آن‌ها هنوز به رشد اجتماعی و شناختی کافی در درک چنین واژه‌هایی دست نیافته‌اند، همچنان نگاهی جزئی‌نگر به مسائل پیرامون خود دارد و در نهایت قادر به تعمیم‌دادن چنین واژه‌هایی نیستند. بر این مبنای، تعداد واژه‌های مرکب برون‌مرکز در گروه پیش‌دستانی به نسبت گروه راهنمایی و دبیرستان، کمتر است.

پرشش پایانی پژوهش، در پیوند با چگونگی تبیین به‌کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز بود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، درک واژه‌ها و یادگیری مفاهیم جدید در افراد، به‌ویژه در کودکان، وابسته به رشد اجتماعی و شناختی آن‌ها است. کودکان از طریق برقراری ارتباط میان واژه و آنچه در محیط وجود دارد و قابل مشاهده است، واژه‌ها را درک می‌کنند؛ در حالی که این فرآیند در نوجوانان و بزرگسالان به مراتب پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر است. یافته‌های مقاله حاضر هم‌راستا با پژوهش‌های کلوگر (Kluger, 2013) است که بیان می‌کند نمایش تصاویر و فیلم روند آموزش و یادگیری واژه‌ها در کودکان را سرعت می‌بخشد. در این راستا، می‌توان به طرح‌واره اسم+ اسم اشاره نمود که یافته‌های این پژوهش نشان داد این الگو بیشترین کاربرد را در میان سایر مقوله‌های نحوی داشته‌است. این امر نشان‌دهنده آن است که درک و فراگیری مقوله اسم به‌ویژه در گروه نخست (الف، ب، ج) راحت‌تر و سریع‌تر از مقوله‌های دیگری مانند صفت، فعل و یا قید صورت می‌گیرد. به نظر نگارنده، از آنجایی که رشد شناختی کودک در سطح

¹ lexicalized

² compositionality

پائین تری از نوجوان قرار دارد، کودک در درک اسم با مشکل و پیچیدگی کمتری نسبت به درک مقوله فعل مواجه خواهد بود؛ زیرا، فعل به رویدادهای مختلفی اشاره دارد که نام‌گذاری تمام آن‌ها و هماهنگی میان عمل و آن رویداد به مراتب برای کودک دشوارتر است. هم‌راستا با پژوهش کرستن و اسمیت (Kersten & Smith, 2002)، کودکان به طور معمول برای افعال یک کاربرد خاص در نظر می‌گیرند و آن را به سایر رویدادهای مربوطه تعمیم می‌دهند. برای نمونه، دو جمله زیر را در نظر بگیرید: ۱. «پیرمرد سیب را خورد.» ۲. «مرغ ماهی را خورد.» (اشاره به مرغ ماهی‌خوار) در هر دو جمله، کودک به راحتی معنای واژه‌هایی مانند «پیرمرد، سیب، مرغ و ماهی» را درک می‌کند و می‌تواند میان آن‌ها و مصداق این واژه‌ها در جهان خارج ارتباط برقرار نماید؛ در حالی که درک فعل «خورد»، برای کودک پیچیده‌است؛ زیرا تجربه وی عمل «سیب‌خوردن» را برایش قابل درک می‌نماید؛ اما «مرغی که ماهی می‌خورد» برای وی عجیب خواهد بود و نیاز به توضیح خواهد داشت. هر چند که رویارویی با چنین مسائلی در میان کودکان بسته به بافت اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت خواهد بود. هم‌راستا با پژوهش توماسلو (Tomasello, 2002)، این امر در مورد درک صفت‌ها نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که کودکان توصیف‌گرها را و آنچه موجب برجسته‌سازی اسم می‌شود، در مقایسه با عمل (منظور فعل است) بهتر و راحت‌تر بازیابی و درک می‌کنند. به باور مورفی (Murphy, 1988)، مقوله نحوی صفت + اسم بعد از مقوله اسم + اسم ساده است و نیاز به دانش زبانی و فرازبانی پیچیده ندارد. بنابراین دلایل الگوی سرمون صفت + فعل > صفت + اسم > اسم + اسم کاملاً توجیه‌پذیر است.

در مورد درون‌مرکز و برون‌مرکز بودن واژه‌های مرکب در داستان‌های کودک و نوجوان، مشاهده شد که واژه‌های مرکب درون‌مرکز، کاربرد گسترده‌تری نسبت به واژه‌های مرکب برون‌مرکز در هر دو گروه داشتند. به گفته کلارک (Clark, 1983)، کودکان از دو سالگی شروع به استفاده از فرایند ترکیب می‌نمایند و با استفاده از آنچه در جهان خارج مصداق دارد، واژه جدیدی می‌سازند. این واژه، به طور معمول دارای هسته است که اشاره به یک مفهوم عینی از پیش موجود دارد. برای نمونه، در واژه «کتاب + خانه» کودک از قبل با هر دوی آن‌ها آشنایی دارد؛ چون آن‌ها را در محیط اطراف خود بارها و بارها دیده‌است و با توجه به مفهوم «خانه» به عنوان هسته، به راحتی می‌تواند مفهوم واژه مرکب «کتاب‌خانه» را درک کند. این مطلب در مورد گروه دوم (سال‌های راهنمایی و دبیرستان) نیز صدق می‌کند. این گروه از مخاطب‌ها با اینکه به رشد شناختی کافی برای درک واژگان انتزاعی حتی بدون وجود ارجاع‌های گفتمانی^۱ رسیده‌اند، اما

¹ Discourse referents

همچنان مشاهده می‌شود که واژه‌های مرکب درون‌مرکز در داستان‌های این گروه با اندک تفاوتی نسبت به واژه‌های مرکب برون‌مرکز بیشتر است. بر این مبنا، می‌توان نتیجه گرفت که درک ساختار یک مفهوم به درک معنا و در نهایت، درک زبان کمک می‌کند. از این رو واژه‌های درون‌مرکز با داشتن هسته از شفافیت بیشتری، به‌ویژه برای گروه نخست برخوردار هستند و با مصداق‌های عینی جهان اطراف کودک مرتبط هستند. بنابراین، دلایل الگوی سرنمون برون‌مرکز > درون‌مرکز قابل توجه است. نکته قابل توجه آن است که بر اساس یافته‌های پژوهش، در گروه دوم، از میزان کاربرد واژگان درون‌مرکز کاسته شده و در همین حال، تعداد واژه‌های مرکب برون‌مرکز افزایش یافته است. دانش وابسته بودن^۱ و تمایز قائل شدن میان واژگان با مفاهیم عینی و انتزاعی، نیاز به رشد شناختی و اجتماعی دارد که در گروه دوم به سطح مورد نیاز رسیده تا بتواند واژگان برون‌مرکز و یا به بیان دیگر، واژه‌های پیچیده را درک نماید، اما در داستان‌های گروه نخست (الف، ب، ج) برخی از واژه‌های برون‌مرکز به کار گرفته شده مناسب رشد سنی کودک نیستند. برای نمونه، وقتی از واژه مرکب برون‌مرکز «آدم‌برفی» در داستان‌های این گروه سنی استفاده می‌شود، با وجود برون‌مرکز بودن این واژه، از آن جایی که کودک با مصداق عینی آن در جهان خارج مواجه شده است، مشکلی در درک آن نخواهد داشت. در حالی که در واژه‌ای مانند «گوش‌مالی»، مخاطبان این گروه سنی قادر به برقراری ارتباط میان این دو واژه و درک نهایی آن به عنوان یک کلمه واژگانی نخواهند بود؛ از این رو، نویسنده‌های فارسی‌زبان نه تنها محتوا بلکه باید نوع واژه‌های به کار رفته در داستان‌های خود را به دقت مورد بررسی قرار دهند. این امر سبب می‌شود تا آنچه ارائه می‌شود کاملاً متناسب با رشد سنی مخاطب بوده و منجر به پیشبرد رابطه سه‌گانه میان مخاطب، نویسنده و داستان شود تا مخاطب‌های داستان‌ها به درک بهتری دست یابند.

۷. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، به بررسی میزان و نحوه به کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان نویسندگان ایرانی پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد میان دو گروه سنی (الف، ب، ج) و (د، ه) به لحاظ کاربرد این نوع از واژه‌های مرکب تفاوت وجود داشت. با توجه به پرسش نخست پژوهش، از میان مقوله‌های نحوی به کار گرفته شده در این داستان‌ها، اسم + اسم، اسم + صفت، اسم + فعل، صفت + اسم و صفت + فعل، مقوله نحوی اسم + اسم در هر دو گروه نخست و دوم بیشترین میزان کاربرد را داشته است. پرسش دوم پژوهش در زمینه میزان

^۱ Knowledge-dependent

فراوانی به کارگیری واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز در داستان‌های کودک و نوجوان بود. به طور کلی می‌توان بیان کرد به کارگیری واژه‌های درون‌مرکز در داستان‌ها فراوانی بیشتری نسبت به سایر گونه‌های واژه‌های مرکب داشته‌است. نکته قابل توجه آن است که میزان بهره‌گیری از واژه‌های مرکب درون‌مرکز در گروه دوم نسبت به گروه نخست کاهش یافته‌است، در حالی که میزان کاربرد واژگان مرکب برون‌مرکز در همین گروه در مقایسه با گروه نخست، سیر رو به افزایش داشته‌است. با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش دو الگوی سرنمون می‌توان ارائه کرد:

۳. صفت + فعل > صفت + اسم > اسم + اسم

۴. برون‌مرکز > درون‌مرکز

پرسش پایانی پژوهش، در مورد چگونگی تبیین استفاده از واژه‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز، ما را به سوی مسائلی مانند رشد اجتماعی و شناختی کودک و نوجوان می‌کشاند. به این صورت که رشد شناختی و نگاه جزئی‌نگر نوجوان بسیار بیشتر از کودک است و این امر به وی در درک راحت‌تر و سریع‌تر واژه‌های مرکب برون‌مرکز کمک خواهد کرد. در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پیکره‌های بزرگ‌تر با داده‌های بیشتر بسط و گسترش داد و درستی الگوی سرنمونی ارائه‌شده را در ژانرهای دیگری مانند متن‌های نظم و نثر پیشین، مورد بررسی قرار داد و آن را با متن‌های امروزی مقایسه نمود. پژوهش حاضر می‌تواند کمک مفیدی به نویسندگان فارسی‌زبان کند تا در هنگام نگارش داستان‌ها به مسائلی مانند رشد اجتماعی و شناختی کودک و نیاز سنی آن‌ها توجه نمایند.

فهرست منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.
- خانلری، پرویز (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی. چ ۲۱. تهران: توس.
- سبزواری، مهدی (۱۳۹۱). «تبیین و تحلیل رابطه‌های معنایی در اسامی مرکب برون‌مرکز فارسی معیار». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. سال ۱۲. شماره ۱. صص ۴۵-۶۱.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). مبانی صرف واژه. تهران: سمت.
- طباطبایی، علالدین (۱۳۹۱). «مقایسه رده‌شناختی اسم مرکب در فارسی و انگلیسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. سال ۱. شماره ۱. صص ۲-۱۷.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و انیس وحید (۱۳۹۲). «تحلیل معنایی کلمات مرکب اسم-اسم در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال ۵. شماره ۱. صص ۸۲-۶۵.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

- Abdullahi-Idiagbon, M.S., & Olaniyi, O.K. (2011). Coinages in Nigerian English: a sociolinguistic perspective. *African Nebula*, 1 (3), 78-85.
- Ahmadi-Givi, H., & Anvari, H. (1999). *Persian grammar*. Tehran: Fatemi publication [in Persian].
- Alavi Moghaddam, B., & kheirabadi, M. (2014). The study of core vocabulary in children's stories and poems of "Roshde Noamuz" magazine. *Language Query*, 5 (2), 139- 160 [in Persian].
- Bauer, L. (2001). Compounding. In M. Haspelmath, E. König, W. Oesterreicher, & W. Raible (Eds.), *Language typology and language universals* (pp.695-707). Berlin & New York: Walter de Gruyter.
- Bauer, L. (2011). Typology of compounds. In R. Lieber & P. Štekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 343-356). Oxford: Oxford University Press.
- Benczes, R. (2015). Are exocentric compounds really exocentric?. *SKASE Journal of Theoretical Linguistics*. 12 (3), 54-73.
- Bisetto, A., & Scalise, S. (2005). Classification of compounds. *Lingue e Linguaggio*. 2, 319-332.
- Bömerová, A. (2014). Recent word-formation tendencies in English and their cross-linguistic impact: contemporary issues on linguistic and language. *LILA 14 Linguistics and Language Conference Proceedings*. 63-75.
- Booij, G. (2005). *The Grammar of words: An Introduction to Linguistic Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Childers, J. B., & Tomasello, M. (2010). Are nouns easier to learn than verbs? three experimental studies. In K. A. Hirsh-Pasek & Roberta M. Golinkoff, *Action Meets Word: How children learn verbs* (pp. 1-36). Oxford Scholarship Online: OUP.
- Clahsen, H & Almazan, M. (2001). Compounding and inflection in language impairment: evidence from Williams Syndrome (and SLI). *Lingua*. 111 (10), 729-757.
- Clark, E. V. (1983). Meanings and concepts. In J. H. Flavell & E. M. Markman (Eds.), *Handbook of child psychology* (4th ed., pp. 787-840). New York: John Wiley & Sons.
- Clark, E. V. (2003). *First Language Acquisition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fabb, N. (1998). Compounding. In A. Spencer & A. M. Zwicky (Eds.), *The Handbook of Morphology* (pp. 66-83). Oxford: Blackwell.
- Gaeta, L. (2008). Constituent order in compounds and syntax: typology and diachrony. *Morphology*, 18,117-141.
- Guevara, E. & Scalise, S. (2009). Searching for universals in compounding. In S. Scalise., S. E. Magni & A. Bisetto (Eds.). *Universals of Language Today* (pp. 101-129). Berlin: Springer.
- Haspelmath, M. (2001). *Language typology and language universals: an international handbook*. Berlin, Boston: Walter de Gruyter.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding morphology*. London: Arnold.
- Heyvaert, L. (2009). Compounding and cognitive linguistics. In R. Lieber & P. Štekauer (Eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 201-216). Oxford: Oxford University Press
- Jackendoff, R. (2012). Compounding in the parallel architecture and conceptual semantics. Typology of compounds. In R. Lieber & P. Štekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 178-191). Oxford: Oxford University Press.
- Kalbasi, I. (1992). *The derivational structure of word in modern Persian*. Tehran: Institute for humanities and cultural [in Persian].
- KarimiDoustan, Gh., & Vahid, A. (2013). A semantic analysis of noun-noun compounds in Persian. *Linguistic Research*, 5 (8), 65-82 [in Persian].
- Kersten, A., & Smith, L. (2002). Attention to novel objects during verb learning. *Child Development*. 73 (1), 93-109.
- Khanlari, P. (2007). *Persian grammar* (21nd ed). Tehran: Tous publication. [in Persian].

- Kluger, J. (2013). Who needs nouns? how toddlers learn to speak. *Time magazine*.
 [Online]: <<http://science.time.com/2013/10/01/who-needs-nouns-how-toddlers-learn-to-speak/>>
- Korzen, I. (2016). Exocentric and endocentric verb typology: Talmy revisited- on good grounds. *Language and Cognition*. 8 (2), 206-236.
- Kuperman, V., Pluymaekers, M., Ernestus, M., & Baayen, H. (2007). Morphological predictability and acoustic duration of interfixes in Dutch compounds. *The Journal of Acoustical Society of America*. 121(4), 2261-71.
- Libben, G. (2006). Why study compound processing? an overview of the issues. In G. Libben & G. Jarema (Eds.), *The Representation and Processing of Compound Words* (pp. 1-22). Oxford: Oxford University Press.
- Lieber, R. (2012). A lexical semantic approach to compounding. typology of compounds. In R. Lieber & P. Štekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 78-104). Oxford: Oxford University Press.
- McGregor, K. K., Rost, G. C., Yu Guo, L., & Sheng, L. (2010). What compound words mean to children with specific language impairment. *Applied Psycholinguist*, 31(3): 463-487.
- Miller, J. F. & Leddy, M. (1999). Verbal fluency, speech intelligibility, and communicative effectiveness. In: J. F. Miller., M. Leddy & A. Leavitt (Eds.), *Improving the communication of people with down syndrome* (pp. 81-91). Baltimore, MD: Paul Brookes Publishing.
- Murphy, G. L. (1988). Comprehending complex concepts. *Cognitive Science*, 12, 529-562.
- Nakov, P. (2013). On the interpretation of noun compounds: syntax, semantics, entailment. *Natural Language Engineering*, 1 (1), 1-40.
- Olsen, S. (2001). Copulative compounds: a closer look at the distinction between morphology and syntax. In G. Booij, & J. V. Marie (Eds.), *Yearbook of Morphology* (pp. 279-320). Dordrecht: Foris.
- Piaget, J. (1971). *Biology and knowledge*. Chicago: University of Chicago Press.
- Ralli, A. & Andreou, M. (2012). Revisiting exocentricity in compounding: evidence from Greek and Cypriot. In F. Kiefer, M. Ladányi & P. Siptár (Eds.), *Current Issues in Morphological Theory. (Ir)regularity, analogy and Frequency* (pp. 65-81). Amsterdam- Philadelphia: John Benjamins publishing Co.
- Sabzevari, M. (2012). Analysis and explanation of semantic relations in exocentric compounds in modern Persian. *Journal of a Critical Study of Literature and Humanities Programs*, 12 (1), 61-45. [in Persian].
- Scalise, S., A. Fabrigas, A. & Forza, F. (2009). Exocentricity in compounding. *Gengo Kenkyu*. 135, 49-84.
- Shaghghi, V. (2007). *An introduction to morphology*. Tehran: SAMT [in Persian].
- Spencer, A. (1991). *Morphological theory: an introduction to word structure in generative grammar*. Wiley: Blackwell.
- Tabatabaee, A. (2012). A typological comparison between noun compounds in Persian and English. *Comparative Linguistics*, 2 (3), 2-17 [in Persian].
- Tomasello, M. (2002). Do young children have adult syntactic competence? *Cognition*. 74 (3), 209-53.